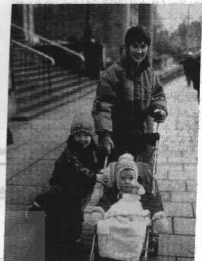


کانادا و اشتغال زنان

● زنان کانادایی امروزه نقش فعالتری در زمینه امور اقتصادی به دست آورده‌اند.

● یک سوم شرکتهای کانادایی به وسیله زنان اداره می‌شود که در بین آنها یکصد موسسه عظیم و مشهور وجود دارد. آمار نشان می‌دهد که زنان کانادایی نسبت به مردان کانادایی، دریافتی کمتری دارند.



ماهنامه کانادایی Canadian Business در شماره ماه سپتامبر خود به موضوع چگونگی وضعیت کنونی زنان کانادایی پرداخته و گزارش‌های مفصلی را در مورد زنان کانادایی که در امر تجارت و اشتغال موفق بوده‌اند منتشر کرده است. این شماره ویژه به بهانه انتشار نتایج پروژه مطالعاتی این نشریه در مورد شرایط موجود زنان در صحنه اقتصاد و اشتغال کانادا منتشر شده است.

پروژه تحقیقاتی یاد شده *The Economic power of women-led firms in Canada* به موضوع تغییر و تحولات پیش‌آمده در وضعیت اشتغال زنان در طول سال‌های ۹۲-۱۹۹۱ میلادی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان کانادایی امروزه آشنش فعالتری در زمینه اقتصاد برخوردار شده‌اند. در حال حاضر تعداد بسیاری از زنان کانادایی در نقش مدیری، صاحب سرمایه، شریک و کارفرما در بخش‌های گوناگون اقتصادی کانادا حضور دارند. آمار موجود همچنین بیانگر آن است که بیش از یک سوم شرکتهای کانادایی به وسیله زنان اداره می‌شود. در میان این شرکتها و موسسات یکصد موسسه عظیم

و موسسه مشهور کانادایی وجود دارد. این شرکتها نزدیک به ۱/۷ میلیون نفر از شاغلان کانادا را تحت پوشش دارند.

شرکتها و موسساتی که زنان آنها را اداره می‌کنند اکنون در بازار اعتبار و سرمایه کانادا از همان اعتباری برخوردار هستند که شرکت‌هایی که مدیران آنها مرد است. به عبارت دیگر موسساتی که برای فعالیتهای عمده اقتصادی تامین اعتبار می‌کنند، اکنون تفاوتی در تامین اعتبار و سرمایه برای این دو گروه موسسات قائل نمی‌شوند، البته برخی موسسات نیز وجود دارند که تنها برای موسساتی تامین اعتبار می‌کنند که توسط مردان اداره می‌شوند. بنابر گفته یکی از زنان موفق که در گزارش نشریه Canadian Business با آنها گفتگو شده است چندی پیش یکی از زنانی که برای دریافت اعتبار به موسسات تعیین اعتبار مراجعه کرده بود در پاسخ تقاضای خویش پاسخ شیط که بهتر است همرا با پدر خود برای ارائه این درخواست مراجعه نماید.

در سال‌های اخیر دامنه حضور زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی کانادا مرزهای سنتی موجود را در نوردیده است و زنان کانادایی در بخش‌های گوناگون فعالیت دارند. پیش از این زنان کانادایی تنها در بخش‌های خرد اقتصادی اشتغال داشتند اما اکنون در بخش‌های عمده و کلان نیز حضوری فعال دارند. آمار

● زنان کانادایی اغلب به صورت پاره وقت اشتغال دارند در حالی که مردان اغلب به طور تمام وقت اشتغال دارند.

موجود در سازمان آمار کانادا بیانگر این نکته است که از جمع مدیران کانادایی که مدت‌های مدید به اداره موسسات خود اشتغال دارند به طور تقریب ۱۷ درصد آنان زن می‌باشند. افزون بر این دامنه حضور زنان در بخش‌هایی مانند مدیریت تکنولوژی، اقتصاد و امور مالی، کشاورزی و کارهای گاملاً مردانه مانند معدن نیز کشیده شده است. بر اساس آمار موجود از شرکت‌ها و موسساتی که به وسیله زنان اداره می‌گردند، ۴۶/۶ درصد آنان متعلق به بخش تجارت خرد می‌باشد و کمتر از ۶ درصد از بخش‌های کشاورزی، معدن، حمل و نقل، ارتباطات و یا بخش‌های انتفاعی عمومی قرار دارند. آن روی سکه این پژوهش البته یافته‌های دیگری نیز دارد؛

یکی از معده نارسایی‌های که تاکنون در امر اشتغال زنان وجود داشته و اکنون نیز تا حدودی وجود دارد عدم تناسب در یافتن سرانه زنان شاغل و مردان شاغل است. آخرین آمار موجود در مورد دریافتی افراد شاغل

کانادایی نشان می‌دهد که زنان کانادایی نسبت به مردان شاغل دریافتی بسیار کمتری داشته‌اند. براساس آمار در حالی که دریافتی سرانه مردان سالانه برابر با ۳۳۴۰۰ دلار بوده است، دریافتی زنان کانادایی در یک سال برابر با ۱۸۴۰۰ دلار بوده است. تحلیگران این تفاوت را ناشی از دو عامل می‌دانند: نخست این که زنان کانادایی بیشتر به صورت پاره وقت اشتغال دارند در حالی که مردان اغلب به طور تمام وقت اشتغال دارند. دوم اینکه زنان بیشتر به فعالیت‌هایی روی می‌آورند که ریسک کمتر و درآمد کمتری داشته باشد و کمتر متوجه کارهایی می‌گردند که سودآور باشد.

از دیگر مشکلات موجود بر سر راه زنان شاغل به ویژه در امور مدیریتی، عدم تناسب در برخورد میان زنان و مردان شاغل است. یکی از خانم‌های شاغل برای بیان مشکلات موجود می‌گوید: «تصور کنید که به اجتماعتی مشتمل از صد نفر می‌روید که ۹۹ نفر آنها مرد هستند؛ این امر برای من بسیار مشکل است.»

حضور زنان در مجالس دنیا از نگاه آمار

● تعداد زنان نماینده در ۱۷۸ کشور جهان طی سالهای ۹۵-۹۳ میلادی ۱۰/۵ درصد کل اعضای مجالس دنیا بوده است.

● در ۲۱ کشور جهان تعداد زنان نماینده مساوی مردان یا بیش از ۲۰ درصد اعضای مجالس آنهاست.

کل اعضای مجالس دنیا در ۱۷۸ کشور، بالغ بر ۲۰۲۹۲ نفر است که، ۳۵۳۰ نفر آن مرد (۸۹/۲۹) درصد و ۶۶۶۴ نفر زن (۱۰/۵۱) درصد پیوسته‌اند. در بیست و یک کشور شامل نروژ- فنلاند- سنت لوسیا- سوئد- دانمارک - هلند- پاربادوس - سیشل - آفریقای جنوبی - ایسلند - کوبا - ترینیداد و توباگو - بلیز - اتریش - نیوزلند - استرالیا - چین - آلمان - مالتزی - کره دموکراتیک و لوکزامبورگ درصد زنان نماینده مساوی مردان یا بیش از ۲۰٪ اعضای مجالس آنها می‌باشند.

(تغییر دیدگاه‌ها، دلیل اصلی رشد زنان درصحنه سیاست می‌باشد.)
تا اول ژانویه سال ۱۹۸۸ نسبت زنان در مجالس ملی ۱۲/۶ درصد بوده است.

در ژوئن ۱۹۹۳ نسبت زنان به شدت افت پیدا می‌کند و به ۱۰/۱۰ درصد در مجالس نمایندگان و ۱۰/۳۱ درصد در مجلس سنا و ۸/۵۵ درصد در سایر مجالس بالغ شد که به دلیل آن تغییر سیستم‌ها از تک حزبی به چند حزبی و تغییر سیستم انتخاباتی با روش‌هایی برای تضمین معرفی گروه‌های مختلف جمعیتی به سیستم عدم رقابت میان احزاب بدون روش خاصی برای تضمین معرفی گروه‌های مختلف جمعیتی بوده است.

در ژوئن ۱۹۹۲، افزایش نسبت زنان در پارلمان‌های ملی چندین کشور که تغییرات عمده سیاسی و بنیادی را

تجربه کرده‌اند بین سال‌های ۱۹۹۲ - ۱۹۸۹ از جمله تغییرات در سیستم انتخاباتی مشاهده شد.

استرلی در ۱۹۹۲ بالغ بر ۱۲ درصد و در ۱۹۹۴ بالغ بر ۱۳/۷ درصد؛

مجارستان در ۱۹۹۰ بالغ بر ۷/۳ درصد و در ۱۹۹۲ بالغ بر ۱۰/۹ درصد؛

ایتالیا در ۱۹۹۲ بالغ بر ۸/۱ درصد و در ۱۹۹۴ بالغ بر ۱۵/۱ درصد؛

ترواقستان در ۱۹۹۰ بالغ بر ۶/۷ درصد و در ۱۹۹۲ بالغ بر ۱۱/۳ درصد؛

لهستان در ۱۹۹۱ بالغ بر ۸ درصد و در ۱۹۹۲ بالغ بر ۱۳ درصد؛

فدراسیون روسیه در ۱۹۹۰ بالغ بر ۸/۷ درصد و در ۱۹۹۴ بالغ بر ۹/۶ درصد؛

همچنین مجلس آفریقای جنوبی اولین انتخابات چند نژادی را برگزار و نسبت زیادی از زنان در آن قوتل گرفتند. در ۱۷/۸ درصد سنا و ۲۵ درصد مجمع ملی که ریاست مجمع ملی را نیز یک خانم به عهده دارد.

در ۱۹۹۳ فقط سیشل تساوی زن و مرد را در پارلمان کسب نموده است، یعنی از ۲۴ عضو، ۱۳ مرد و ۱۱ زن (۴۵/۸) درصد) را دارا می‌باشد. در ۱۹۹۲ بالاترین نسبت زنان نماینده مجلس ۳۹/۴ درصد در نروژ حدود دو پنجم کل نمایندگان یعنی ۷۸٪ زن از ۲۰۰ نفر کل نمایندگان را شامل می‌شود. تعداد کمی از مجالس دارای رئیس مجلس زن هستند.